

نویسنده: هنری گیروکس (Henry Giroux)

منبع و تاریخ نشر: کونتر پانچ «02-01-2024»

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»

سیاست زمان اضطراری و تهدید در حال ظهور فاشیسم

The Politics of Emergency Time and the Emerging Threat of Fascism



زیربنای خشونت معاصر استعمار، سیاست یکبار مصرف، بنیادگرایی مذهبی، نئولیبرالیسم و نظامی‌گری خام است. به نظر می‌رسد که خشونت زمین را مانند طوفان شن کور کرده است. زنان و کودکان به طور دسته جمعی در غزه کشته می‌شوند، بی‌خانمانی به طور فزاینده‌ای در میان جوانان در بسیاری از کشورها گسترش می‌یابد، نابرابری در سطوح خیره‌کننده‌ای وجود دارد، و فرهنگ عدالت خواهی با فرهنگ جهانی جنگ

جایگزین شده است. سرمایه داری گانگستری؛ جنگی را علیه طبقه کارگر، حقوق با روری زنان، حقوق همجنس گرایان، رنگین پوستان و خود دموکراسی به راه انداخته است - و وقیحانه خود را در گفتمان فاشیسم می پیچد.

روزنامه نگاران و رسانه های ویشی «Vichy» اکنون بیش از هر زمان دیگری به تجارت «عینیت» می پردازند و با تشدید خشونت در تمام سطوح جامعه، خواهان یکدست بودن هستند [3]. با وجود پذیرش اشکال پوچ گرایانه بی قانونی، با **ترامپ** به عنوان یک نامزد عادی برای ریاست جمهوری رفتار می شود. او نژادپرستی، نفرت و تهدیدهای بی پایان خشونت را منتشر می کند، بی تفاوت به درخواست های پاسخگویی، هر چند ترسو بزدلی در پشت جذابیت نا درست به مفهوم متزلزل تعادل پنهان می شود اخلاق به طور فزاینده ای تحت فشار فراموشی تاریخی، سرکوب مخالفان، و تباهی فرهنگ مدنی فرو می ریزد. حملات جناح راست به آگاهی و حافظه تاریخی دفاع در برابر شهادت اخلاقی را تقویت می کند و در عین حال پوششی برای جهل عمدی ایجاد می کند. زبان توانایی خود را برای بیدار کردن هوشیاری زیر بار خفقان منظره و واژگان دیوانه عوامفریب از دست داده است. مسئولیت اجتماعی سرگردان است و دیگر با نحوه عملکرد جامعه آمریکا مرتبط نیست. سیاستمداران و کارآفرینان مرگ، خون تولید شده توسط سلاح های خود را نادیده می گیرند و بدون پاسخگویی در تروریسم دولتی و جهانی سرمایه گذاری زیادی می کنند. خانواده ها، کودکان، مدارس، بیمارستان ها و عبادت گاه ها بمباران می شوند، زنان و کودکان کشته می شوند در حالی که بربرهای فاشیسم و صنایع تسلیحاتی از سودهای فزاینده شان که از خونریزی و رنج غیرقابل تصور به دست می آیند غرور می زنند [1]. همانطور که **کریس هجز** استدلال کرده است، سرمایه داری گانگستری به نتیجه منطقی و سومی خود رسیده است، «با ناامیدی گسترده، احساس محرومیت، بی ارزشی، ناتوانی و محرومیت اقتصادی با رور شده است.» «ایده دموکراسی در ایالات متحده رسانه های جریان اصلی تمایل بیشتری به نتیجه دارند تا حقیقت [4]. سکوت آنها نوعی همدستی است.

حزب جمهوری خواه در حال حاضر بیشتر وسیله ای برای سیاست های فاشیستی است [5]. ایالات متحده به نقطه پایانی یا سقوط یک سیستم اقتصادی و سیاسی بی رحمانه رسیده است که شبیه مرده ای است که راه می رود - یک سیاست زامبی که با استثمار طبقه کارگر، مهاجران، فقرا، محرومان، و کودکان بی پناهی که زیر آوارهای بمباران شده می میرند رشد می کند. تروریسم دولتی ناسیونالیسم مسیحی سفید با افراطی ترین عناصر سرمایه داری ادغام می شود تا سیاست های ظالمانه و بی رحمانه سلب مالکیت، حذف، و سیاست سلب مالکیت را اعمال کند. لقمه های خون زبان استبداد را اشباع می کند و سیاست های تخریب، استثمار و ناامیدی مطلق را دنبال می کند. زمان عمومی مبتنی بر مفاهیم برابری، منفعت عمومی و عدالت در زباله دان تاریخ سفید رنگ محو

می شود. همان طور که **جیمز بالدوین** زمانی اشاره کرد، تا زمانی که نازی ها در خانه شان را نزنند، این تیپ های «بیابید متعادل باشیم» از داشتن شجاعت نا مگذاری فاشیسم برای آنچه هست، خودداری می کنند .

در مواجهه با شرایط اضطراری، ایجاد یک بیداری بزرگ آگاهی ، یک جنبش گسترده گسترده برای دفاع از کالاهای عمومی، و بسیج مربیان و جوانانی که هم می توانند نه بگویند و هم برای یک دموکراسی سوسیالیستی مبارزه کنند، بسیار مهم است . مبارزه با فاشیسم بدون ایده ها، دیدگاه ها و توانایی تبدیل آنها به عمل نمی تواند انجام شود . خطرات خطرناک و احیای آگاهی تاریخی کمک می کند . و از آنجا بی که دموکراسی در کثیفی عوام فریبی، ناسیونالیسم سفید پوستان، جنگ طبقاتی، نظامی گری و ناسیونالیسم مسیحی خفه می شود، حتی ضروری ترند . آن آمریکایی هایی که به دموکراسی و عدالت اعتقاد دارند، دیگر نمی توانند بیذ بیرند که به کشوری از تما شاگر تقلیل پیدا کنند . آنها دیگر نمی توانند دموکراسی را با تقلیل آن به یک ما شین رای که توسط ثروتمندان کنترل می شود، تعریف کنند . و نه می توانند آن را با جسد سرمایه داری یکی بدانند . آنها دیگر نمی توانند اجازه دهند که سکوت مطبوعات به عنوان یک ما شین تخیل زدایی عمل کند که تا حد زیادی عموم را غیرسیاسی میکند . آنها دیگر نمی توانند اجازه دهند که آموزش و پرورش به عنوان ما شین بی سواد، فراموشی تاریخی، و جهل به کار گرفته شود .

و من درگیر بد بینی فلج کننده نیستم، بلکه بر فوریت یک لحظه تاریخی تاکید می کنم که در آستانه هجی کردن ناقوس مرگ برای آمریکا به عنوان یک ایده است، به عنوان وعده ای از آنچه یک دموکراسی رادیکال ممکن است برای آینده فرض کند . ما در عصر اضطراری زندگی می کنیم، دوران بحران هایی که در آن زمان به نقطه ضعف تبدیل شده و اوقات عمومی به یک ضرورت دعوت به فکر و عمل مبارزاتی تبدیل شده است بدون عاملیت، هیچ امکانی برای تصور آینده ای که فاشیسم گذشته را تکرار نکند، وجود ندارد، بدون امکان، هیچ دلیلی برای اذعان به تهدیدات مادی و ایدئولوژیک بسیار واقعی برای ایالات متحده و سایر نقاط جهان اکنون وجود ندارد .

فا شیسم دیگر در تاریخ مدفون نیست . روح وایمار 1933 دوباره پخش می شود . چگونه می توان ادعای آشکا را فاشیستی **ترامپ** را توضیح داد که وی قصد دارد پس از انتخاب شدن، مخالفان سیاسی را در اردوگاه های زندان زندانی کند؟ یا قول او برای ریشه کن کردن اراندل چپ کمونیست، مارکسیست ، فاشیست و رادیکال چپ که ما نند حیوانات موزی در محدوده کشور ما زندگی می کنند، دروغ می گویند، دزدی می کنند و در انتخابات تقلب می کنند و هر کاری ممکن است انجام خواهند داد . چه قانونی و چه غیرقانونی ، برای نابودی آمریکا و از بین بردن رویای آمریکایی . لفاظی های جنگ طلبانه **ترامپ** واژگان غیر انسانی سازی را با زبان پاکسازی نژادی و تهدیدهای مکرر به خشونت ادغام می کند . او مدعی است که مهاجران «خون کشور ما را مسموم می کنند»،

اظهار می‌دارد که «رئیس سابق ستاد مشترک مستحق اعدام است و برای دل‌سردی دزدان مغازه‌ها از افسران پلیس می‌خواهد که به آنها شلیک کنند **ترامپ** با اجرای یک کمپین سیاسی آشکارا اقتدارگرا، بدون عذرخواهی، با پوزخندی بر چهره، اظهار می‌دارد که می‌خواهد یک دیکتاتور باشد [6] برای راست افراطی و سیاستمداران MAGA، سیاست فاشیستی اکنون به عنوان یک نشان افتخار به نمایش گذاشته شده و اجرا می‌شود. در اینجا چیزی بیش از پژواک رژیم های اقتدارگرای سابق در کار است. تهدیدهای بعدی **ترامپ** و تیپ‌های جنگجو-سرباز او مستقیماً به گولاگ‌ها و اردوگاه‌ها در عصر اقتدارگرایی سابق منتهی می‌شود.

روح کنفدراسیون همراه با نسخه ارتقا یافته و آمریکایی شده فاشیسم بازگشته است. ارتدوکسهای جنازه مانند نظامی، پاکسازی نژادی، و فاشیسم نئولیبرال هم به ورشکستگی وجدان اشاره می‌کند و هم به نمونه‌ای که در آن زبان شکست می‌خورد و اخلاق به بربریت فرو می‌ریزد، و هر اثری از دموکراسی هم مورد تمسخر و هم مورد حمله قرار می‌گیرد.

آنچه واضح است این است که یک شورش گسترده علیه دموکراسی در ایالات متحده و در سراسر جهان در حال وقوع است. و صرفاً از بالا از طریق دیکتاتوری های نظامی تحمیل نمی‌شود. مردم اکنون به سیاست فاشیستی رأی می‌دهند. ماشین‌های تخیل زدایی مانند رسانه‌های جریان اصلی و پلت فرم‌های آنلاین راست افراطی به افسانه‌های ایدئولوژیک قدرتمند تبدیل شده‌اند - ماشین‌های آموزشی بی‌سوادی سیاسی که جای خالی شگفت‌انگیزی را بر مردم آمریکا تحمیل می‌کنند که به اغمای اخلاقی و سیاسی می‌رسد. علل زیربنایی فقر، سلب مالکیت، استثمار، فلاکت و رنج عظیم در فرهنگ ماشینی سکوت، کالایی‌سازی و اسرار فرقه‌وار ناپدید می‌شوند. یا فروپاشی فرهنگ مدنی، تمایز بین حقیقت و باطل از بین می‌رود و با آن آگاهی عمومی قادر به تشخیص تفاوت بین خوب و بد است. بسیاری از آمریکایی‌ها آنچه را که **پائولو فریره** زمانی ابزار سرکوبگر می‌نامید، درونی کرده‌اند. آنها نه تنها تغییر در سیاست آمریکا به سمت استبداد را می‌پذیرند، بلکه از این ایده نیز حمایت می‌کنند [7]. مورد دوم در حمایت عمومی گسترده **ترامپ** به رغم استقبال آشکار او از سیاست فاشیستی، ادعای او برای لغو قانون اساسی، و درخواست استفاده از دفتر خود در صورت بازگشت به کاخ سفید برای حبس کردن دشمنان سیاسی خود مشهود است [8].

در طرف مقاومت، **لس لئوپولد** در این استدلال که مبارزه با فاشیسم نئولیبرال هرگز موفق نخواهد شد تا زمانی که "احساس ما از ممکنات گسترش یابد" و ما جدی نگیریم که "آموزش واقعی در مورد مسائل تصویر بزرگ می‌تواند در نحوه مردم تفاوت ایجاد کند. جهان را ببینید." [9] در عین حال، هر چشم انداز فرما نروایی از آینده باید به عنوان

بخشی از یک مبارزه آموزشی قابل دوام، ارزش های ضد سرمایه داری را در بر گیرد که قادر به بسیج یک جنبش گسترده است که در آن فراخوان برای حقوق سیاسی و شخصی است. با تقاضای حقوق اقتصادی مطابقت دارد. **واسلاو هاول**، نمایشنامه نویس، دولتمرد و فعال بشری مشهور جهان، با زیرکی به نیاز به مقاومت گسترده در برابر همسطح سازی معنا، زبان، ذهنیت و مسئولیت اجتماعی اشاره کرد. فراخوان او برای یک انقلاب در آگاهی انسان، همان درخواست **مارتین لوتر کینگ جونیور** برای انقلاب ارزش ها است. از نظر **هاول**، اخلاق باید مقدم بر سیاست، اقتصاد و علم قرار می گرفت و برای تحقق این امر، او اظهار می دارد که «وظیفه اصلی در عصر آینده... تجدید اساسی احساس مسئولیت ما است. وجدان ما باید به عقلمان برسد، وگرنه گم شده ایم.» [10]

برای **هاول**، مسائل آگاهی، ذهنیت و عاملیت بخش مهمی از سیاست مقاومت هستند. اما آنها تنها آغاز مبارزه طولانی برای بازسازی بنیادی جامعه هستند. برای پرداختن به آسیب شناسی های سیاسی زمان ما، باید ایده ها را در عمل بیان کرد. بدون مبارزات گسترده علیه سرمایه داری گانگستری - با تأکید مخرب آن بر نابرابری اقتصادی، غارت محیط زیست، حملات گسترده به عدالت اجتماعی - و جنبشی برای بازسازی به جای اصلاح جامعه مبتنی بر ارزش های سوسیالیستی دموکراتیک، نمی توان مقاومت پایداری داشت. نقد ستیزه جویانه با دید با احساس ستیزه جویانه از امکان مطابقت داشته باشد.

هاوارد زین به درستی متوجه شد که او استدلال کرد که «امیدوار بودن در زمان های بد فقط عاشقانه احمقانه نیست... اگر فقط بدترین ها را ببینیم، ظرفیت ما برای انجام کاری را از بین می برد. اگر آن زمان ها و مکان ها را به یاد بیاوریم - و تعداد بسیار زیادی وجود دارد - که در آن افراد رفتاری باشکوه داشته اند، این به ما انرژی می دهد تا عمل کنیم، و حداقل این امکان را به ما می دهد که این فر فرجه یک جهان را به جهتی متفاوت بفرستیم.» [11]

ما در عصری از شرایط اضطراری و خیم زندگی می کنیم. اضطراب روزگار، سیاستی را می طلبد که تشخیص دهد تهدید فاشیسم، لحظه ای را پیش روی ما قرار می دهد که در آن تسلیم نشدن از تخیل، تصور غیرممکن ها تا حد ممکن، و در آغوش کشیدن چشم اندازی از آینده و در آغوش کشیدن بسیار مهم است. احساس مبارزه جمعی که در آن زندگی فراتر از سرمایه داری گانگستری وجود دارد. این یک انتخاب نیست یک ضرورت است.

یادداشت ها :

[1] هاوارد زین، «خوش بینی عدم قطعیت»، [1] هنری آ. ژیروکس، «کشتن کودکان، بارهای

وجدان، و جنگ اسرائیل و حماس»، کانترپانچ (9 دسامبر 2023). آنلین :

[https://www.counterpunch.org/2023/12/08/killing-children-the-burdens-of-](https://www.counterpunch.org/2023/12/08/killing-children-the-burdens-of-conscience-and-the-israel-hamas-war/)

[conscience-and-the-israel-hamas-war/](https://www.counterpunch.org/2023/12/08/killing-children-the-burdens-of-conscience-and-the-israel-hamas-war/) [2] زیر مجموعه "فاشیسم به آمریکا

می آید" [8 اکتبر 2023]. آنلین: [https://chrishedges.substack.com/p/fascism-comes-](https://chrishedges.substack.com/p/fascism-comes-to-america)

[to-america](https://chrishedges.substack.com/p/fascism-comes-to-america) [3] "آیا روزنامه نگاری ترسو فاشیسم ترامپ را برمی گرداند؟ LA "

Progressive دسامبر 2023. [آنلاین]. <https://www.laprogressive.com/the-media-in-the-united-states/cowardly-journalism..> Will Bunch "مقاومت ترامپ در کجاست که خودکامگی ظاهر می شود؟" [5] The Philadelphia Inquirer "دسامبر 2023. [آنلاین]. <https://www.inquirer.com/columnists/attytood/trump-resistance-womens-march-felicity-huffman-college-admissions-20231205.html> [4] "هشدارها افزایش می یابد که رسانه های ایالات متحده دوباره به درستی تهدید فاشیستی ترامپ را پوشش نمی دهند." رویاهای مشترک [13 نوامبر 2023]. آنلاین : <https://www.commondreams.org/news/donald-trump-and-the-media> [5] هنری آ. ژيرو و آنتونی دی ماجیو، فاشیسم در محاکمه (لندن: بلومزبری، 2024). [6] نگاه کنید به رابرت کاگان، "دیکتاتوری ترامپ به طور فزاینده ای اجتناب ناپذیر است. ما باید تظاهر را متوقف کنیم،" واشنگتن پست (30 نوامبر 2023). آنلاین : <https://www.washingtonpost.com/opinions/2023/11/30/trump-dictator-2024-election-robert-kagan/> [7] "بسیاری از آمریکایی ها اقتدارگرایی ترامپ را پذیرفته اند." واشنگتن پست [10 نوامبر 2023]. آنلاین :

<https://www.washingtonpost.com/politics/2023/11/10/lot-americans-embrace-trumps-authoritarianism/> [8]

[8] [مارتین پنگلی، «دونالد ترامپ قول می دهد در صورت بازگشت به کاخ سفید، دشمنان سیاسی را محبوس کند»، گاردین (۳۰ اوت ۲۰۲۳). آنلاین-<https://www.theguardian.com/us-news/2023/aug/30/trump-interview-jail-political-opponents-glenn-beck> [9] لنوپولد، «6 دلیل برای اینکه مقاومت در برابر ترامپ کافی نیست: در اینجا چگونه می توانیم دموکراسی خود را نجات دهیم»، آلترنت، [1 ژانویه 2017]. آنلاین-<http://www.alternet.org/election-2016/challenge-our-hands-save-us>

[10] واسلاو هاول، "دانشگاه هاوارد (کمبریج 8 ژوئن 1994)، هنر غیرممکن (نیویورک Knopf، 1997)، ص 222. ملت (سپتامبر 2004). آنلاین :

<https://www.thenation.com/article/politics/optimism-uncertainty/>

چند سطری در مورد نویسنده این مقاله : هنری ای .

جدیدترین کتاب های او عبارتند از: کسری تحصیلات آمریکا و جنگ با جوانان (منتلی ریویو مطبوعات، 2013)، جنگ (2018) و کابوس آمریکایی: رویارویی با چالش فاشیسم (چراغ های شهر، 2018)، در مورد آموزش انتقادی، ویرایش دوم (بلومزبری)، و نژاد، سیاست، و آموزش همه گیر: آموزش در زمان بحران (بلومزبری 2021). وب سایت او www.henryagiroux.com نئولیبرالیسم علیه آموزش عالی (پرس های مارکت، 2014)، عمومی در خطر: ترامپ و تهدید اقتدارگرایی آمریکایی (راتلج، .com).

----- با تقدیم سلامها «2024-01-05»

